



## مشارکت شهروندان عنصر کلیدی نظام حکمرانی خوب

محسن محسن زاده<sup>۱</sup>، علی کلاته<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

*MohsenMohsenzadeh8@gmail.com*

### چکیده

مشارکت یکی از اصول اساسی و مهمی است که همواره به عنوان یکی از ستون های اصلی پیشرفت و تکامل حکمرانی مطرح بوده است، همچنین به عنوان ابزار و هدف در برنامه های توسعه نقش آفرینی می کند. همچنین مشارکت عمومی با هدف بهبود اثربخشی حکمرانی از طریق مشارکت دادن شهروندان در تدوین سیاست های حاکمیتی و فرآیندهای تصمیم گیری برای ارتقای شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی هر دولت مدرن ضروری است. در حکمرانی نقش سیاستمداران به عنوان یک راهبر برای شهروندان می باشد. حکمرانی خوب به عنوان هدفی برای ایجاد سیستم های قوی برای خدمت و حفاظت از منافع همه شهروندان و تقویت توسعه پایدار می باشد. در این میان شاخص مشارکت عمومی شهروندان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی خوب است. مشارکت شهروندان صرفاً معطوف به حضور در عرصه انتخابات نیست بلکه حضور مردم در سایر بخش ها همچون سازمان های مردم نهاد و مدیریت های محلی در قالب شوراهای و شهرداری ها بسیار مهم است. تحول نظام اداری مبتنی بر افزایش حوزه عملکرد نهاد های مدنی و اعطای اختیارات بیشتر در راستای افزایش مشارکت مردم عاملی برای ارتقا شفافیت نیز خواهد بود. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به تبیین ابعاد مشارکت شهروندان در جامعه و ارائه راهکارهای برای افزایش حضور شهروندان در عرصه حکمرانی در تلاش برای دستیابی به مطلوب ترین حالت حکمرانی خوب می باشد.

**کلمات کلیدی:** مشارکت مردم، حکمرانی خوب، پاسخگویی، شفافیت



## ۱- مقدمه

اساس هر گونه توجهی به مشارکت شهروندان در سیاست گذاری و طراحی خدمات عمومی این است که شهروندان در یک دموکراسی دارای حقوق و وظایف هستند و اینکه حکومت دموکراتیک فرصت هایی را برای شهروندان فراهم می کند تا فعالانه در شکل دادن به دنیای خود مشارکت کنند. چنین مشارکتی به طرق مختلف و در سطوح مختلف، از محیط های محلی و اجتماعی غیررسمی و حتی از طریق نهادهای ثبت شده همچون سازمان های غیردولتی و ارگان های اوج گرفته تا نهادهای کلیدی مانند قوه مقننه، دادگاه ها و خدمات عمومی انجام می شود. در یک نظام دموکراتیک، مشارکت شهروندان یکی از مولفه های کلیدی فرآیند تصمیم گیری است. مشارکت عمومی در مورد اقداماتی است که یک شخص یا گروه می تواند انجام دهد تا در مسائل مربوط به دولت یا جامعه درگیر شود، این مورد تضمین می کند که شهروندان شنیده می شوند و می توانند به طور فعال در تصمیم گیری هایی که بر نیازهای آنها تأثیر می گذارد، شرکت کنند. این یکی از اصول و ارزش های ملی حکومت ها است.

حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم سالاری و فرآیندهای دموکراتیک دارد و از طرف دیگر یکی از مبانی و مختصات نظام مردم سالاری وجود تعدد اندیشه یا کثرت گرایی در جامعه است. کثرت گرایی موجب به وجود آمدن نهادهای واسطه یا همان نهادهای مدنی می شود. نهادهایی که نقش میانجی فعال را بین مردم و دولت برقرار می کنند بدین ترتیب که از اجتماع قدرت های ناچیز افراد، تشکیلات منسجم جمعی پدیدار می گردد و این قدرت نهفته در چنین تشکیلات زمینه ساز تحقق حکمرانی خوب را در جامعه فراهم می کند. یکی از ویژگی های حکمرانی خوب وجود مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است، این مهم جز با حضور وسیع و فعال نهادهای مدنی در جامعه تحقق پیدا نخواهد کرد. در حقیقت مشارکت مردم در عرصه های مختلف و یا مشارکت آنها در حوزه نظارت بر اعمال و رفتار حکام از طریق نهادهای مدنی امکان پذیر خواهد بود. اما نقش نهادهای مدنی در مشارکت شهروندان در اداره امور کشور، به بحث انتخابات یا مشارکت سیاسی ختم نمی شود بلکه این نهادها از طریق رشد افکار عمومی و بالا بردن انگیزه های شهروندان در اداره امور کشور، مشارکت مردمی را در تمامی عرصه های اجتماعی محقق می سازند. (پناهی، ۱۳۹۱، ۵)

## ۲- حکمرانی خوب

حاکمیت را می توان مدیریت منابع و سازماندهی افراد و گروه ها به نهادها و موسسات رسمی و غیررسمی از طریق مکانیسم های اجتماعی، سیاسی، اداری و اقتصادی تعریف کرد. در حکمرانی خوب صاحبان اصلی قدرت مردم هستند و به جای پرداختن به کارآمدی و توانمندی دولت از طریق حجم و اندازه آن به نوع و کیفیت رابطه مردم و حکومت توجه می شود و رابطه نادرست شهروندان و حکومت کنندگان را از دلایل عدم توسعه اقتصادی می دانند. پاسخگویی دولت به شهروندان، نبودن فساد، اقدام به اصول مردم سالاری، اعتماد عمومی و حق انتخاب از ویژگی های اصلی حکمرانی خوب به شمار می رود. حکمرانی خوب، فساد را از طریق افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضد فساد کاهش می دهد. اعتقاد بر این است که فساد، توانایی حکمرانی خوب را تحلیل برده و زمینه انحراف تصمیمات و اجرای سیاست ها را میسر می کند لذا باید با تدوین و اجرای قوانین ضد فساد و نظارت مستمر بر عملکرد نهادهای اعمال حاکمیت از بروز فساد جلوگیری شود. (راستین، ۱۳۹۵، ۲۳)

در تعریفی دیگر حکمرانی خوب تحت عنوان کوششی در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری معرفی شده است. توصیف دیگری از نظریه حکمرانی خوب مبتنی است بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل سه بخش اصلی جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی



و جامعه مدنی که در تصمیم گیری ها و اجرا تاکید دارد. در واقع در حکمرانی خوب این سه رکن به عنوان عناصر اصلی محسوب می شود. اساس حکمرانی خوب ایجاد نوعی تعادل ساختاری میان بخش های جامعه است.

### ۳- مشارکت به عنوان یک اصل حکمرانی خوب

این اصل متضمن حضور فعال و برابر جامعه مدنی در سطح محلی، در کار جامعه خود است. از طریق مشارکت جامعه مدنی در تصمیم گیری، توافق بر سر درک متقابل مهم ترین چالش هایی که جامعه محلی با آن مواجه است، حاصل می شود. کیفیت و اثربخشی یک سیاست به مشارکت همه ذینفعان در تصمیم گیری بستگی دارد. این امر منجر به اعتماد بیشتر به نتیجه نهایی و نهادهایی می شود که تصمیمات سیاسی می گیرند. همچنین مشارکت جامعه مدنی با رعایت قبلی اصل شفافیت و پاسخگویی محقق می گردد.

توافق فزاینده ای در سراسر جامعه وجود دارد که دولت نمی تواند و نباید اقدامات شهروندان را بدون همکاری آنها هدایت کند، ما وارد عصری می شویم که در آن پیشرفت تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد، جوامع و خدمات عمومی هر یک بتوانند در ارائه راه حل مشارکت داشته باشند. برای تحقق این امر، مشارکت عمومی باید هسته اصلی آینده تصمیم گیری خدمات عمومی باشد.

مشارکت عمومی نه تنها برای سازمان ها در بخش های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی مهم است، بلکه این پتانسیل را نیز دارد که نحوه زندگی و تعامل افراد و جوامع را تغییر دهد. شرکت در تصمیم گیری محلی یا بحث در مورد سیاست های آینده می تواند تأثیری دگرگون کننده بر نحوه تفکر مردم در مورد خود و نقش خود در جامعه داشته باشد. شهروندان پیشنهادات زیادی برای ارائه دارند. ایده های آنها ممکن است همیشه بهتر نباشد، اما آنها متفاوت هستند. آنها دیدگاه متفاوتی ارائه می دهند و گرد هم آوردن تعداد زیادی از افراد مختلف باعث می شود تا ایده های جدید توسعه یابد.

مشارکت پذیری: مشارکت در معنای وسیع، کنش افراد در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. کمیته همکاری سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، به منظور ترویج حکمرانی خوب به تدوین سیاست های ناظر بر مشارکت عمومی پرداخته و توسعه سیاسی، اصلاح سازوکارهای حکومتی و تقویت فرایندهای دموکراتیک و احترام به حقوق بشر را به عنوان شاخص های مشارکت به رسمیت شناخته است. این نهاد همچنین استفاده مؤثر از سازمانهای محلی و خودمختار، سازمانهای حکومتی و بخش خصوصی را به عنوان راه های تحقق اصل مشارکت مورد توجه ویژه قرار داده است. (رحمتی فر، ۱۳۹۴، ۱۴)

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی ترین پایه های حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت هم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی توان انتظار داشت که در نظام تصمیم گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد. شکل گیری وفاق عمومی؛ همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می باشد. حکمران خوب باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون کند که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد. (یگانگی، ۱۳۹۹، ۴)



## ۱-۳- ارتباط مفاهیم مشارکت، شفافیت و پاسخگویی

همواره یکی از چالش‌های مطرح در حقوق اداری بررسی راه‌های ایجاد تشکیلات اداره امور عمومی به گونه‌ای بوده است که علاوه بر تامین نظم و نیازهای عمومی جامعه، حقوق فردی و آزادی‌های شهروندان را مورد تجاوز قرار ندهد و محدود ننماید. به عبارت بهتر ممکن است تمرکز قدرت بطور کارآمدی موفق به تامین امور عمومی و نظم در جامعه گردد ولی این کارآمدی به قیمت تحدید حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان بدست می‌آید. همکاری‌های میان حکومت‌ها و همکاری میان بخش‌های متفاوت مانند اشخاص و نهادهای مدنی و بخش خصوصی با حمایت حکومت‌های محلی تسهیل می‌گردد. مردم سالاری یا دموکراسی در تمرکز زدایی ریشه داشته و انتقال قدرت و منابع به سطوح محلی، به حکومت‌ها کمک خواهد نمود که جامعه را برای حل مسائل و مشکلات محلی و حکومت یاری نمایند.

مشارکت شهروندان، پاسخگویی و شفافیت عملکرد دستگاه‌های دولتی از شاخصه‌های تحقق حکمرانی خوب است. از دیدگاه حقوقی، یکی از کارکردهای مشارکت شهروندان در حکمرانی خوب، افزایش زمینه نظارت شهروندان بر عملکرد مقامات اداری در دستگاه عمومی است. مشارکت و نظارت شهروندان در کنار سیستم نظارت حقوقی، مانع اتخاذ تصمیمات خودسرانه و بی ضابطه و بدون در نظر گرفتن منافع صاحبان حق از سوی ادارات می‌گردد و شفافیت تصمیمات و اقدامات اداری را تامین و تضمین می‌کند. بطور مثال ایجاد نظام رسیدگی به شکایات تلاش در جهت نوعی از تحقق مردم سالاری اداری است. شکایات مردم از عملکرد دستگاه اداری نوعی بازخورد مردمی نسبت به عملکرد سیستم اداری است که اگر به نحو درستی عمل کند، می‌تواند موجب تحقق شفافیت و پاسخگویی شود. در الگوی حکمرانی خوب، مشارکت شهروندان از این جهت اهمیت دارد که، این نوع مشارکت موثر، فرصت سوء استفاده از قدرت عمومی و منابع عمومی بوسیله ماموران دولتی را کاهش می‌دهد. بعلاوه مشارکت شهروندان پاسخگویی دستگاه دولتی و بخش عمومی را برای رسیدن به نتایج و تصمیمات آگاهانه تر فراهم می‌کند. ماموران بخش دولتی علاوه بر اینکه باید در برابر ارباب رجوع و نسبت به افکار عمومی جامعه خود پاسخگو باشند، باید در برابر تشکل‌ها و سازمانهای مردم نهادی همچون سازمان حمایت از مصرف کنندگان و مطبوعات پاسخگو باشند. در واقع وجود سوء استفاده‌های کلان و فساد گسترده اداری و نقض حقوق شهروندی بوسیله دستگاه‌های دولتی در بسیاری از جوامع ناشی از فقدان مشارکت و نظارت همگانی است. حقوق دانان نظام پاسخگویی را برای کنترل ماموران دولتی به منظور اطمینان از عملکرد آنان در چابوق قوانین و مقررات و رویه‌های اداری لازم می‌دانند و بخش موثری از نظام پاسخگویی در شیوه حکمرانی خوب را نتیجه مشارکت شهروندان و نظارت همگانی می‌دانند. (زارعی، ۱۳۸۳، ۲)

## ۲-۴- جایگاه مشارکت مردم در حکمرانی در قانون اساسی

تلاش برای ایجاد نهادها و فرآیندهای دموکراتیک کافی نیست. این نهادها و فرآیندها باید برای ایجاد فرصت‌هایی برای شهروندان برای داشتن زندگی سالم و مولد به کار گرفته شوند. حصول اطمینان از اینکه دولت واقعاً برای منافع عمومی کار می‌کند مستلزم مشارکت آگاهانه، سازمان یافته، فعال و مسالمت آمیز شهروندان است. بنابراین، شهروندان باید ایده‌های مربوط به شهروندی، سیاست و دولت را درک کنند. آنها برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب خط مشی‌ها و استفاده صحیح از اختیارات، همراه با مهارت‌هایی برای بیان نگرانی‌های خود، اقدام جمعی و پاسخگو نگه داشتن مقامات دولتی به دانش نیاز دارند. شهروندان دارای مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها هستند، از جمله حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که بر رفاه عمومی تأثیر می‌گذارد. مشارکت علاوه بر ارزش ذاتی دموکراتیک، نوعی محرک برای تغییرات دموکراتیک و اجتماعی-اقتصادی و راهی اساسی برای توانمندسازی شهروندان است. از آنجا که مشارکت در کنار دیگر عوامل مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی، تفکیک



قوا، نظارت، رعایت حقوق و آزادی های افراد وجود احزاب و نهادهای مختلف مدنی منجر به رشد و تعالی و نوسازی یک جامعه می شود میتوان آن را امری ضروری و لازم در نظر گرفت.

نگاه قانون اساسی ایران به موضوع مشارکت در اصل ۲ قانون اساسی به عنوان یک اصل کلیدی متبلور گردیده است. در کنار اصل 2 می توان به اشکال و انواع گونه های مشارکت شهروندان که در قانون اساسی به آنها اشاره داشت توجه کرد و ابعاد مشارک شهروندان در قانون اساسی صرفاً در انتخابات منحصر نمی گردد بلکه نگاه وسیعتر و عمیق تری دارد از جمله اصول 7 و 8 و فصل سوم قانون اساسی که به موضوعات حقوق بشر، آزادی های عمومی، جامعه مدنی و احزاب اشاره دارد و فصل هفتم از قانون اساسی به موضوع مهم شوراها توجه نموده که مرکز ثقل موضوع انتخابات و جامعه مدنی می باشد.

در مقدمه قانون اساسی ایران تاکید بر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی شده است و هدف را سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان در نظر گرفته است و به قدری موضوع تعیین سرنوشت مردم بوسیله خود مردم و منتخبین آنها حائز اهمیت بوده است که هدف حکومت رشد انسان در حرکت به سوی نظام الهی می داند و این مهم به دست نمی آید مگر اینکه مشارکت فعال و گسترده عناصر اجتماع بوجود بیاید و وظیفه قانون اساسی را نیل به چنین مشارکت و تصمیم گیری سیاسی دانسته است. (علیخانی، ۱۳۹۸، ۵)

## ۵- مشارکت سیاسی

بحث مشارکت سیاسی یکی از اساسی ترین مفاهیم در علوم اجتماعی به شمار می رود. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص های توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها به شمار می رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. مشارکت سیاسی برای حکومت ها دارای منافع عملی ویژه ای است که فقدان آن به سامانه سیاسی و اهداف بلندمدت نظام حاکم آن زیان وارد می کند. در واقع مشارکت، فرایندی است که در برگزیده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر تصمیم گیری ها درباره امور عمومی است. (باصری، ۱۳۸۸، ۳)

برای این که رژیم خصلت مردم سالار داشته باشد، نخستین شرط این است که بزرگ ترین شمار ممکن مردم در امور عمومی یا در صورت بندی قدرت، مشارکت داشته باشند. یعنی شهروندان، هم ظرفیت انتخاب نمایندگان و کارگزاران حاکمیت را دارا باشند و هم در جهت وصول به مناصب و مقامات سیاسی، راه برای همه باز باشد. بنابراین، نهاد انتخابات از شرایط و لوازم مردم سالاری به شمار می آید، چرا که در جهان امروز به خلاف ایام باستان، مشارکت مردم، جنبه ی غیر مستقیم دارد و با انتخاب نمایندگان و فرمانروایان حاصل می شود. پس انتخابات، مهم ترین ابزار تحقق مردم سالاری محسوب می شود.

## ۶- مشارکت سازمان های غیر دولتی در حکمرانی

نهادهای مدنی به شبکه ای از روابط و تعاملات اجتماعی و حرفه ای گفته می شود که در گروه ها و نهادهای داوطلبانه، خودگردان و سازمان یافته، تجلی و تعیین می یابند و هدف آنها رفع نیازها و پیشبرد و تحصیل منافع، علایق و مطالبات اعضا از طریق وساطت میان حوزه سیاسی (دولت رسمی گفتمان قدرت) و حوزه خصوصی (زندگی فردی، خانواده و مجموعه هویت های غیر ارادی) است. این گروه های غیرانتفاعی و دارای اعضای هم شان را می توان در هیات اصناف، اتحادیه، سندیکا، انجمن های علمی و ... مشاهده کرد. نهاد های مدنی، نهادهای فعال و تشکل های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل هستند که منعکس کننده ی دیدگاه های افراد جامعه به نظام سیاسی حاکم است. این نهادها واسطه ی بین دولت و مردم می باشند و کار ویژه اصلی آن ها، مهار قدرت خودکامه و تضمین نهادینه شدن آزادی و بسط مشارکت مردمی می باشد. در حقیقت نهادهای



مدنی از محق بودن و اختیار مردم آغاز می شود و با تفکیک قوا صورت می گیرد و سپس با کثرت گرایي در جامعه تکمیل می شود. نهاد های مدنی حد فاصل قدرت دولت و جامعه مدنی قرار دارد از نظر سیاسی، نهادهای مدنی به مثابه یک همسنگ اساسی و حیاتی در مقابل دولت ها هستند. جامعه مدنی قوی می تواند نقش مهم در مسئولیت پذیری و پاسخگوسازی دولت ها، سیاستمداران و مدیران ایفا کند. (علیخانی، ۱۳۹۸، ۷)

سال های زیادی است که فرصت های نهادینه شده برای مشارکت جامعه مدنی در سازمان های چند جانبه گسترش یافته است اگرچه نه به صورت یکسان و نه به میزان یکسان در همه موضوعات حاکمیتی اما امروزه به طور گسترده انتظار می رود که سازمان های غیردولتی یا دیگر بازیگران غیردولتی ابزاری برای مشارکت در این نهاد فراهم کنند.

سازمان های غیردولتی از روش های ارتباط بین فردی استفاده می کنند و نقاط ورود درستی را مطالعه می کنند که از طریق آن اعتماد جامعه ای را که می خواهند از آن بهره مند شوند، به دست می آورند. آنها همچنین ایده خوبی در مورد امکان سنجی پروژه هایی که انجام می دهند دارند. اهمیت این نقش برای دولت این است که سازمان های غیردولتی می توانند با سطوح سیاست گذار دولت، اطلاعاتی در مورد زندگی، قابلیت ها، نگرش ها و ویژگی های فرهنگی مردم در سطح محلی ارتباط برقرار کنند. سازمان های غیردولتی می توانند ارتباطات را از بین مردم تا دولت و از سوی دولت به سمت پایین با مردم تسهیل کنند. ارتباطات رو به بالا شامل اطلاع رسانی به دولت در مورد آنچه مردم محلی فکر می کنند، انجام می دهند و احساس می کنند، در حالی که ارتباط به سمت پایین شامل اطلاع رسانی به مردم محلی در مورد آنچه دولت در حال برنامه ریزی و انجام است. سازمان های غیردولتی همچنین در موقعیت منحصر به فردی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات به صورت افقی، شبکه سازی بین سازمان های دیگر که کارهای مشابه انجام می دهند قرار دارد.

## ۷- راهکارهای افزایش مشارکت شهروندان در برنامه های حکمرانی خوب

دسترسی به اطلاعات: ارائه اطلاعات متوازن و عینی به شهروندان برای کمک به آن ها در درک مشکل، جایگزین ها، فرصت ها و راه حل ها ضروری است. دولت ها به طور فزاینده ای به دنبال دیدگاه های شهروندان در طراحی و اجرای سیاست ها و برنامه ها هستند. یک عمل خوب این است که مشاوره به یک فرآیند دو طرفه تبدیل گردد تا بتوان از نظریات همه استفاده کرد. نظرات آنان در مورد علت پذیرش یا عدم پذیرش مورد بررسی قرار گیرد. همچنین مهم است که رایزنی های جامع و با اطمینان از اینکه گروه های به حاشیه رانده شده و آسیب پذیر را نیز شامل شود. همچنین دولت می تواند به طرق مختلف از مشارکت شهروندان حمایت کند، به عنوان مثال با لغو قوانین و مقررات غیرضروری تا آنجا که ممکن است تلاش کند تا دسترسی شهروندان را سهل و آسان کند. یکی دیگر از روش های مربوط به افزایش مشارکت شهروندان این است که اطلاع رسانی در خصوص فرصت های مشارکت به نحو صحیح انجام گیرد تا مردم جامعه این آگاهی از حق خود و راه های اعمال این حق آگاه شوند. زمانی شهروندان تمایل بیشتری به مشارکت دارند که ابتکار عمل بسیار آسان باشد. (Bhargava، ۲۰۱۵، 6)



## ۸- نتیجه گیری

در سرتاسر جهان، تعداد فزاینده ای از دولت ها و شرکای آنها در جامعه مدنی در حال آزمایش شیوه های نوآورانه ای هستند که به دنبال گسترش فضا و مکانیسم های مشارکت شهروندان در فرآیندهای حکومت داری می باشند. به این علت که، یکی از اصلی ترین چالش های ارتباط بین دولت ها و مردم یعنی اعتماد عمومی را بهبود دهند، ارتقا حضور مردم در عرصه حکمرانی و مشارکت فعالانه مردم می تواند اعتماد سازی در سطح کلان میان افراد جامعه و دولت را شکلی نو بخشد. مشارکت عمومی عاملی ضروری برای دموکراسی است به این علت که شهروندان نقش مهمی در حمایت و کمک به شفاف سازی و پاسخگویی بیشتر نهادهای عمومی ایفا می کنند. همچنین سبب یافتن راه حل های نوآورانه برای چالش های توسعه می باشند. علاوه بر این ها مشارکت عمومی تضمین کننده عدالت و کاهش دهنده فساد و تقویت کننده یکپارچگی حکومت است. در این میان برای آنکه جامعه ای بتواند به سمت حداکثر سازی حکمرانی خوب حرکت کند و آن را در جامعه حکمفرما کند نیازمند ابزارها و وسایل تحقق آن می باشد. یکی از بهترین و کارآمدترین این ابزارها نهادهای مدنی هستند. نهاد های مدنی هم عاملی برای مشارکت مردم را پدید می آورند و هم تضمین مهار قدرت هستند. این نهاد ها به دلیل استقلال خود می توانند با آگاه سازی و آموزش شهروندان مصرانه در جهت اهداف خود گام بردارند.

کارشناسان توسعه در سال های اخیر به مفهوم حکمرانی خوب به عنوان پیش نیاز توسعه تاکید کرده اند. حکمرانی خوب عامل کاهش شکاف بین مردم و دولت است و زمانی مفهوم پیدا می کند که تصمیم ها بر مبنای رضایت و مشروعیت و پاسخگویی گرفته شوند. هدف حکمرانی خوب باید ایجاد جامعه مدنی سالم و مناسب باشد. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که حکمرانی خوب یک مفهوم ثابت و ایستا نیست بلکه حکمرانی خوب برای ساختن آرمان های مردم جوامع تلاش می کند و این آرمان ها مبتنی بر حس واقع گرایی و پویا هستند. همچنین حکمرانی خوب جایگاه محوری در توسعه دارد و یکی از عناصر حیاتی در ساختن کشور می باشد.



## مراجع

۱. باصری، احمد، بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی ها و مشارکت سیاسی اجتماعی خانواده های نیروهای مسلح. فصلنامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده ، شماره ۱۵، صص ۱۲-۲، ۱۳۸۸.
  ۲. پناهی، زهره، نهاد های مدنی و حکمرانی خوب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، شیراز، صص ۲۰-۲، ۱۳۹۱.
  ۳. راستین، عبدالرحیم. حکمرانی مطلوب و توزیع صلاحیت ها با تاکید بر مشارکت شهروندان در نظام عدم تمرکز اداری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی فارس، صص ۴۰-۱، ۱۳۹۵.
  ۴. رحمتی فر، سمانه، ظرفیت سنجی فرایند ایجاد قاعده حقوقی به عنوان مبنای قواعد متکثر حقوقی در دوران جهانی شدن (آیا مبنای قاعده حقوقی عینی شده است؟)، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۶، صص ۲۱۱-۱۹۱، ۱۳۹۴.
  ۵. زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، صص ۱۲-۲، ۱۳۸۳.
  ۶. علیخانی، صادق و همکاران، ظرفیت های قانون اساسی ایران در افزایش مشارکت شهروندان در پرتو راهبردهای حکمرانی خوب، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۰، صص ۳۱-۱۱، ۱۳۹۸.
  ۷. یگانگی، کامران و همکاران، مدل مفهومی حکمرانی خوب، فصلنامه پژوهش های علوم مدیریت، شماره ۵، صص ۵-۴، ۱۳۹۹.
8. Bhargava, V.(2015).Engaging citizens and civil society to promote good governance and development effectiveness.